

حریم خصوصی فیزیکی افراد در آئینه فقه امامیه

و حقوق ایران

سجاد شهباز قهفرخی*

عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهرکرد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۲)

چکیده

حریم خصوصی، قلمرو و محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که برای عموم آشکار نیست و در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و وی نیز تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص هیچ گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر واکنش نشان می‌دهند. این مفهوم تاکنون در حقوق اسلامی و حقوق ایران به صورت مستقل بحث نشده است. قانونگذار ایرانی نیز با عنایت به بی‌سابقه بودن این موضوع در فقه و حقوق ایران، به صورت ناقصی تنها به شناسایی برخی مصادیق این حق پرداخته است. به حریم خصوصی فیزیکی به عنوان یکی از ابتدایی‌ترین مصادیق حق بر حریم خصوصی به صورت پراکنده‌ای در قوانین مختلف اشاره شده است. این مقاله، به بررسی وضعیت نحوه حمایت قانونگذار از حریم خصوصی فیزیکی اشخاص در فقه شیعه و حقوق موضوعه ایران و طرح حمایت از حریم خصوصی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، حریم خصوصی پوشش، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی فیزیکی، حریم خصوصی محل زندگی، حریم خصوصی محل کار.

مقدمه

با زایش تفکر سیاسی مدرن در سده‌های هجدهم و نوزدهم و ظهور جریان‌های لیبرال و فردگرا، حقوق و آزادی‌های فردی به عنوان بخش عمده‌ای از مطالبات شهروندان مطرح شد، به طوری که عدم دخالت در زندگی خصوصی شهروندان از سوی دولت‌ها، مهم‌ترین مشخصه یک دولت لیبرال شد. تا قبل از سال ۱۸۹۰ میلادی، مفاهیمی همچون افترا، افشای اسرار شغلی و مصونیت مسکن و در مفهوم عام‌تری، حق مالکیت، تا حدود زیادی حریم خصوصی را پوشش می‌داد. اما نخستین بار در سال ۱۸۹۰ میلادی، حریم خصوصی به عنوان مفهومی حقوقی در مجله حقوقی هاروارد در مقاله‌ای با عنوان «حق تمتع از خلوت» توسط دو آمریکایی به نام‌های «ساموئل وارن»^۱ و «لوئیس براندیس»^۲ مطرح شد (وارن و براندیس، بی‌تا، ۲). به این حق در قوانین اساسی یا عادی بسیاری از کشورهای جهان توجه شده و در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.) نیز به رسمیت شناخته شده است.

در فقه امامیه به این حق با وجود ریشه داشتن در منابع فقه، به صورت خاص، مدون و مستقل توجه نشده است و فقها عنوان خاصی در این خصوص تدوین نکرده‌اند؛ اما در بسیاری موارد و در ابواب مختلف فقهی به تناسب بحث، به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند. در حقوق ایران نیز عنوان «حریم خصوصی» استفاده نشده و تنها از برخی از مهم‌ترین مصادیق این حق حمایت شده است. در این مقاله به تحلیل مفهوم حریم خصوصی فیزیکی به عنوان یکی از مصادیق حریم خصوصی و نحوه حمایتی که حقوق اسلام و حقوق ایران برای آن در نظر گرفته‌اند، پرداخته خواهد شد. روش تألیف مقاله در گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و در تحلیل داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۱. شناسایی حریم خصوصی

مفهوم حریم خصوصی

«حریم» در لغت عرب از ریشه «ح-ر-م» بوده و به دو صورت استفاده شده است: الف) به صورت مفرد: در این صورت به معنای شریک (فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ۲۵۳)، دوست و همچنین به معنای چیزی است که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۷۸)؛ ب) به صورت مرکب: در این صورت گاه به مال و گاه به انسان اضافه می‌شود. در صورتی که به مال اضافه شود، به معنای «اطراف و پیرامون» است، همانند «حریم خانه» که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که برای استفاده کامل از خانه به آن نیاز است؛ و در صورتی که به انسان اضافه شود، به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۶۸). مرحوم دهخدا «چیزی که آن را حمایت کنند و جنگ کنند بر آن»

1. Samuel Waren
2. Louis Brandeis

را حریم دانسته است (دهخدا، ۱۳۳۸، ۴۶۳). حریم در فقه نیز به معنای منع است؛ یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است (صدر، سیدمحمدصادق، ۱۴۱۷، ۲۸۵). منظور از حریم در این مقاله، حریم انسان است؛ نه حریم مال. بنابراین می‌توان حریم را محدوده ممنوعه‌ای دانست که ورود به آن، واکنش شخص را به دنبال دارد. برای واژه خصوصی در زبان عرب از واژه «الخاصه» استفاده می‌شود که به معنای «ویژه» و «اختصاصی» است (طریحی، ۱۴۱۶، ۳۲۱). جلسه خصوصی، به جلساتی گفته می‌شود که غیر از اعضای تشکیل‌دهنده آن کسی دیگر در آن حضور ندارد و مقابل آن جلسه عمومی گفته می‌شود (دهخدا، همان، ۵۲۳). بنابراین می‌توان گفت «خصوصی بودن» به معنای «به کسی مربوط نبودن» است.

برای بیان مفهوم حق حریم خصوصی، از تعبیر حق خلوت نیز استفاده شده است. خلوت در لغت فارسی به معنای تنهایی گزیدن، انزوا، تنها نشستن، جای خالی از اغیار و جای آسایش آمده است (معین، ۱۳۲۴، ۲۳۹). خلوت را جایی می‌دانند که در آن، جز نزدیکان و محرمان کس دیگری را حق حضور نیست. (دهخدا، همان، ۵۳۶). معادل انگلیسی خلوت و حیطة خصوصی، privacy است^۱ که در فرهنگ لغت آکسفورد دو معنا برای آن ذکر شده است: الف) موقعیت تنها بودن یا بدون مزاحم؛ ب) آزادی از مداخله یا نظارت و توجه عمومی.^۲ با روشن شدن دو مفهوم حریم و خصوصی، به ارائه تعریف از «حریم خصوصی» پرداخته می‌شود.

تعریف حریم خصوصی

اولین تعریفی که از سوی پژوهشگران حقوق برای خصوصی مطرح شده، تعریف دو تن از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به نام‌های «ساموئل وارن» و «لوئیس برانندیس» است که حریم خصوصی را «حق افراد برای تنها بودن» تعریف کرده‌اند.^۳ ایشان از حق خلوت به عنوان یک اصل نام می‌برند که از نوشته‌ها، آثار معنوی، افکار و احساسات شخص محافظت و حق داشتن یک چارچوب بدون دخالت را به افراد بشر اعطا می‌کند تا اظهارات، گفته‌ها و اعمال آنها در این چارچوب مشخص، مصون از تعرض باقی بماند و مورد حمایت قانون واقع شود.

برخی حقوقدانان با شناسایی عناصر محرمانه بودن، ناشناس بودن و تنهایی به عنوان ارکان حریم خصوصی، معتقدند «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی یک فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند.» (انصاری باقر، ۱۳۸۶، ۳۴). در این تعریف واژه قلمرو، ممکن است ویژگی‌ها و مختصات فردی رفتاری یا روحی اشخاص را شامل نشود؛ به عبارت دیگر تعریف

۲، ۱. در زبان فرانسه خلوت و حریم خصوصی La vieprivee است.

3. samuel waren and Louis brandies, The Right of privacy, available at <http://www.lawrence.edu/fast/boardmaw/privacy-barnd-warr2.htm>

ایشان اگرچه مختصر است، جامع تمامی افراد و مصادیق نیست. از نظر نگارنده حریم خصوصی عبارت است از قلمرو و محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص که برای عموم آشکار نیست و در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و وی نیز تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر واکنش نشان می‌دهند.

با عنایت به مفهوم حریم خصوصی، باید مصادیق این حق طبقه‌بندی شوند و به صورت خاص به تحلیل هر دسته پرداخت.

۲. حریم خصوصی فیزیکی

یکی از مسائل حوزه حریم خصوصی، بحث در مورد مصادیق این حق است. به علت اختلاف نظرهای مبنایی، تعریف‌های ارائه‌شده و سایر متغیرهای مؤثر همچون فرهنگ، مبانی سیاسی، دین و مذهب و... حقوقدانان در خصوص تعیین مصادیق این حق، اختلاف نظرهایی دارند. طرح حمایت از حریم خصوصی که هم اکنون در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، به تقسیم‌بندی مصادیق این حق پرداخته است.^۱ در مقاله حاضر با عنایت به ارتباط و نزدیکی مفهومی این مصادیق، حریم خصوصی فیزیکی به حریم جسمی، حریم خصوصی پوشش، حریم مکان زندگی و حریم محل کار دسته‌بندی شده است. در این قسمت سعی خواهد شد نحوه حمایت فقه امامیه و حقوق ایران از گونه‌های این حق، مطرح شود و در ضمن، طرح حمایت از حریم خصوصی نیز بررسی خواهد شد.

۱.۲. حریم جسمانی

هر انسان به طور طبیعی بر بدن و جسم خویش سلطه دارد و بالبداهه خواستار آزادی آن و رعایت حرمت آن است. اهمیت این حریم به نحوی است که برخی پژوهشگران جسم افراد را دارای هاله‌ای که حرمت فرد را تضمین می‌نماید، دانسته‌اند و حدود این هاله را حدود ۵۰ تا ۷۰ سانتی‌متر دانسته‌اند (بهزادپور؛ بی‌نا، ۱۳۸۸، ۴۶). رعایت حرمت این هاله ممکن است به‌وسیله اتفاقات متعددی نقض شود. خیره شدن به شخص، توقیف، تفتیش و واکاوی لباس و تفتیش اندام‌های درونی بدن شخص، از گونه‌های نقض این حریم است. اشخاص در طول روز ممکن است در موقعیت‌های متعددی قرار گیرند. اشخاص در حالی که مشغول استراحت در منزل و یا محل کار هستند، یا در اماکن عمومی یا وسایل حمل و نقل عمومی و... حضور دارند، به صورت طبیعی حق دارند که کانون توجه دیگران قرار نگیرند و رفتارهای جزیی ایشان مورد نظارت و نگاه دیگران نباشد. افراد اگرچه می‌دانند که در یک مکان عمومی در معرض دید افراد دیگر

۱. دسته‌بندی چنین است: ۱. حریم خصوصی منازل حریم خصوصی و اماکن خصوصی؛ ۲. حریم خصوصی جسمانی؛ ۳. حریم خصوصی محل کار؛ ۴. اطلاعات؛ ۵. حریم خصوصی اطلاعات شخصی و ۶. حریم خصوصی ارتباطات.

هستند، انتظار دارند به طور مشخص، شناسایی نشوند و سوژه‌ای برای نظارة دیگران نباشند. شخصی را فرض کنید که در مترو به صورت عادی نشسته است اما فرد یا افرادی به او خیره شده‌اند، آیا او حق ندارد دیگران را از این عمل منع کند؟ در فقه اسلامی نگاه کردن به غیر وجه و کفین زنان نامحرم و همچنین نظارة همراه با قصد تلذذ به بدن زنان یا مردان حرام می‌باشد (تحریرالوسیله، ج ۲، ۲۴۳) نظاره همراه با قصد تلذذ به دیگر افراد، توهین به کرامت انسانی شخص است؛ زیرا که نظاره‌کننده بدون مجوز شرعی (که مبتنی بر نوعی قرارداد و رضایت پیشینی است) شخص سوژه را به عنوان ابزاری برای لذت بردن خود قرار داده است. اما آنچه ذیل موضوع حریم خصوصی مطرح می‌شود، مسئله خیره شدن به شخص است که اگر این خیره شدن سبب آزار و اذیت وی شود، با عنایت به ادلة حرمت ایذاء مومن، این عمل حرام خواهد بود. در مورد حرمت ایذا و آزار دیگران در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: «... و هر کس، مومنی را بیازرد، خداوند را در عرش آزرده است...» (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۵، ۲۹۷). همچنین در روایتی از پیامبر وارد شده است که:

« مَنْ أَدَى مُؤْمِنًا وَ لَوْ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ كَانَ كَمَنْ هَدَمَ الْكَعْبَةَ وَ الْبَيْتَ الْمُقَدَّسَ وَ قَتَلَ عَشْرَةَ » (دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲: ۷۷)

«هر کس مومنی را ولو با بیان کلمه‌ای بیازرد در روز قیامت در حالی محسور می‌شود که در پیشانی وی نوشته شده که از رحمت خدا مایوس است و این شخص، مانند کسی است که خانه کعبه و بیت المقدس را ویران کرده و ده نفر را کشته است.»

همچنین روایات متعدد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد^۱ و عنوان «ایذا» نیز عنوانی عرفی است که شامل هر آن چیزی می‌شود که شخص سوژه از آن کراهت دارد و سبب اذیت شدن وی خواهد شد. به نظر می‌رسد خیره شدن به اشخاص حتی در مجامع عمومی، در صورتی که موجب آزار و اذیت ایشان شود، از باب ایذاء المسلم حرام بوده و در صورت منع سوژه از استمرار نگاه، عمل ارتكابی نقض حریم خصوصی اشخاص خواهد بود که باید توسط قانونگذار حمایت شود. توقیف اشخاص نقض بدیهی‌ترین مصداق حق بر حریم خصوصی ایشان است، چرا که افراد آزادند هر کجا تمایل دارند و به هر نحو که می‌خواهند رفت و آمد کنند. هرگونه توقیف اشخاص حتی برای پرسیدن چند پرسش ساده، چنانچه برخلاف رضایت آنها باشد، نقض حریم خصوصی جسمانی ایشان است. توقیف شخص زمانی اتفاق می‌افتد که اوضاع و احوال حاکم بر قضیه نشان دهد که فرد متعارف و معقول در آن اوضاع و احوال نمی‌تواند خود را بی‌اعتنا نشان دهد و احساس آزادی کند. توقیف ممکن است توسط اشخاص عادی یا ضابطان

۱. برای نمونه رجوع کنید به: بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۲؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۹۹؛ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، ص ۶ و... .

دادگستری در حوزه اختیارات ایشان به وجود آید. قانون مجازات اسلامی هر گونه توقیف غیرقانونی اشخاص را در مواد ۵۸۳ و ۶۲۱ جرم‌انگاری کرده است. هر چند این مواد در خصوص توقیف غیرقانونی افراد توسط ضابطان و ماموران رسمی است، برخی مؤلفان به لحاظ صدر ماده ۵۸۴ ق.م.ا و نظریه مشورتی شماره ۴۲۵۰ - ۷۶/۱۰/۲۷ که مقرر کرده است: «تفاوتی نیست بین آنکه جرایم ارتكابی مذکور در مواد ۵۸۳ و ۵۸۶ ق.م.ا از سوی ماموران دولتی یا افراد عادی و غیر دولتی ارتكاب شود» (گلدوزیان، ایرج؛ ۱۳۸۶، ۳۰۶) گفته‌اند می‌توان افراد عادی که تمهید جا و مکان برای اختفای فرد بازداشت‌شده را نموده‌اند نیز مجازات نمود (آشوری، محمد؛ ۱۳۸۶، ۱۵۵). ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری توقیف افراد توسط ضابطان دادگستری را در جرایم مشهود جایز دانسته و به ایشان اجازه داده است که بدون اجازه قبلی مقام قضایی، حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

تفتیش و بازرسی بدن افراد و لباس‌های ایشان نیز نقض دیگری بر حریم خصوصی جسمانی ایشان است که لازم است توسط قانونگذاران حمایت شود. در قوانین ما در زمینه تفتیش جسمانی افراد مقررات خاصی دیده نمی‌شود. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش افراد در جرایم غیر مشهود را منوط به اجازه مخصوص مقام قضایی کرده است. در جرایم مشهود نیز اگرچه قانونگذار به ظاهر سکوت کرده، به قیاس اولویت در جایی که ضابطان بدون اجازه مقام قضایی حق توقیف شخص را دارند، بی‌تردید حق تفتیش وی را نیز خواهند داشت. تفتیش از اندام‌های داخلی بدن به منظور کشف جرم یا یافتن ادله جرم نیز در قوانین ایران به صراحت اشاره‌ای نشده است، اما به لحاظ مواد ۲۳، ۲۴ و ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری باید جواز انجام این گونه تفتیش‌ها را منوط به اجازه مخصوص مقام قضایی دانست که به وسیله مراکز پزشکی قانونی انجام خواهد شد. در قانون آیین دادرسی، قاضی تحقیق موظف شده است برای کشف و اثبات جرم تلاش کند و این تلاش او در خصوص تفتیش اندام‌های داخلی متهم محدودیتی ندارد، پس در مشروعیت این حق نباید تردید کرد.

در بند پنجم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز به اصل منع دستگیری و بازداشت افراد تصریح شده و هر گونه بازداشت افراد منوط به «موارد ضروری» و «حکم قانونی» شده است.^۱ امام خمینی (ره) در بند چهارم فرمان هشت‌ماده‌ای ۱۳۶۱/۹/۲۴ خطاب به قوه قضاییه بیان می‌کنند: «هیچ‌کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد، توقیف کند و یا احضار نماید هر چند مدت توقیف کم باشد».

مواد ۳ الی ۱۵ طرح حمایت از حریم خصوصی به بحث حمایتی در مورد حریم خصوصی جسمانی پرداخته است. مواد ۴ و ۵ طرح به ضابطان دادگستری در موارد توقیف قانونی اشخاص اجازه داده است به منظور کشف اسلحه و وسایل یا ادله جرم اشخاص دستگیرشده را مورد تفتیش قرار دهند. ماده ۸ طرح مزبور، بازرسی بدنی در آوردن لباس را در خصوص مظنونان به ارتكاب جرم تنها در مواردی جایز دانسته است که نخست مرجع صالح قضایی این دستور را

۱. قانون احترام به آزادی‌ها و حقوق شهروندی؛ منتشره در روزنامه رسمی ۱۷۲۴۹ - ۸۳/۳/۲

داده باشد و دوم اینکه ظن قوی بر این وجود داشته باشد که چنانچه بازرسی انجام نشود، ادلة جرم از روی بدن مظنون محو شود و بدون آن ادله، اثبات جرم عرفاً غیر ممکن یا بسیار دشوار شود. به نظر می‌رسد منوط کردن انجام بازرسی بدنی به حکم قضایی در بسیاری موارد از این حق افراد حمایت می‌کند. در عین حال مکلف کردن قاضی نسبت به مکتوب کردن مستندات وجود ظن قوی نیز به سازماندهی و مستند شدن این‌گونه مجوزات کمک می‌کند و از این‌رو لازم است این تکلف برای قضات در لایحه پیش‌بینی شود.

۲.۲. حریم خصوصی پوشش

نوع، کیفیت و طرز پوشش اشخاص امری به‌طور کامل خصوصی است. انسان‌ها با توجه به علایق، سلیقه، گرایش‌ها و طرز تفکر خود، نوع پوشش خویش را انتخاب می‌کنند و به تناسب، لباس دلخواه خود را برمی‌گزینند. کسی نمی‌تواند به نوع، رنگ یا کیفیت لباس دیگری اعتراض کند. البته چنانچه شخص، بدون در نظر گرفتن عرف، زمان و مکان یا سایر عوامل مؤثر نوع پوشش خاصی را انتخاب کند، برای مثال با لباس گشاد راه راه قرمز در محل عمومی مانند خیابان حضور پیدا کند، نمی‌تواند به بهانه حریم خصوصی مانع نظاره دیگران شود. موضوع حریم خصوصی پوشش هنگامی بیشتر حساس می‌شود که شخص قصد حضور در عرصه عمومی را دارد. از آنجا که پوشش بارزترین نمود خارجی یک فرد است، باید به مردم حاضر در عرصه عمومی حق داد که در صورت «خاص بودن» نوع پوشش شخص به وی توجه کنند. اما آنگاه که شخص در مکان خصوصی یا در محفل دوستانه با لباس خاصی حضور پیدا کرده است، اگرچه شاید به لحاظ عدم رعایت محرمیت مرتکب حرام شده باشد، سایر افراد خارج از محفل نیز نمی‌توانند به نوع پوشش وی تعرض کنند یا بعدها فیلم یا عکس او را منتشر کنند، زیرا انتشار این‌گونه مستندات بدون تردید نمونه بارز «اشاعه فحشا» خواهد بود. گفته‌اند تعبیر «اشاعه فحشا» مفهوم وسیعی است که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبیح را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ناصر؛ ۱۳۷۴؛ ۲۴۵) و یکی از این قبیح انتشار مستنداتی است که در آنها اشخاص را با پوشش نامناسب با فرهنگ جامعه نشان می‌دهد.

موضوع دخالت دولت‌ها در نوع پوشش افراد، نیز قابل تأمل است. فقه امامیه با تعیین «نبایدها» برخوردی سلبی با موضوع پوشش داشته است. عدم جواز «تبرج» و حرمت خودنمایی و خودآرایی زنان مهم‌ترین دخالت فقه امامیه در حریم خصوصی پوشش است که فلسفه آن را باید دفاع از حریم عرصه عمومی تلقی کرد.

قانونگذار ایران در دوره قبل از انقلاب اسلامی به موجب قانون متحدالشکل کردن البسه اتباع ایران مصوب ۱۳۰۷/۱۰/۶ ایرانیان را ملزم به داشتن نوع خاصی از پوشش کرد. این برخورد ایجابی به داشتن نوع خاصی از پوشش، دخالت مستقیمی در حریم خصوصی پوشش افراد بوده است. کشف حجاب رضاشاهی نیز که در تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۷ رسمیت پیدا کرده بود، دیگر نمونه دخالت در حریم خصوصی پوشش اشخاص است که با مقاومت مردم و مخالفت روحانیان و سقوط دولت رضاشاه به نتیجه نرسید.

بعد از انقلاب اسلامی، در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۳ قانون مزبور لغو شد و این بار قانونگذار نحوه دخالت خود را تغییر داد. دخالت قانونگذار اسلامی، دخالت سلبی بود. ورود زنان بدون حجاب شرعی وفق ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات (که در سال ۱۳۷۵ به عنوان تبصره به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی افزوده شد) قابل مجازات تلقی شد. ماده ۴ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ مقرر می‌دارد: «کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالحه محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده دو (تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش، تهدید و ...) محکوم می‌شوند.» این نحوه دخالت را نباید مداخله جویانه تلقی کرد (رحمدل، منصور، ۱۳۸۴، ۱۲۹)، بلکه این نحوه مداخله، حمایت از عرصه عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. در واقع رکن قانونگذاری با بررسی ارزش‌ها، سنن و منابع قانونگذاری، به حمایت از حریم عرصه عمومی پرداخته است و در این زمینه محدودیت‌هایی را برای نحوه پوشش بانوان هنگام حضور در مجامع عمومی وضع کرده است.

۳.۲. حریم خصوصی منزل و محل زندگی

برای تنظیم احساسات، برنامه‌ها و روابط و به‌منظور تأمین احساس نیاز به خلوت، انسان‌ها یک مکان محصور را به عنوان خانه و منزل اختیار می‌کنند. مکانی که مختص خلوتگاه انسان است و اساسی‌ترین و بارزترین مکان خصوصی است. منزل جایی است که افراد در آنجا آرامش فکر و جسم خود را باز می‌یابند و ارتباطات صمیمی خود را شکوفا می‌کنند. در این فضا، حوزه حمایت‌شده خانواده پوشش داده می‌شود و روابط صمیمی خانوادگی و احساسی به اوج نزدیکی می‌رسد. این فضا ممکن است اتاق کوچکی در یک هتل باشد یا یک خانه بزرگ که شخص متصرف، مالک آن یا صاحب منافع آن است. طرح حمایت از حریم خصوصی در تعریف منزل می‌نگارد: «انواع خانه‌ها، چادرهای مسکونی، داخل وسایل نقلیه مسقف، بخش‌های مسکونی کشتی‌ها، اتاق استراحت هتل‌ها، مهمانسراها، خوابگاه‌های دانشجویی، بیمارستان‌ها و دیگر تأسیسات مشابه و یا اماکنی که عرفاً به آن منزل اطلاق می‌شود، داخل در این تعریف هستند.» در مورد حمایت از حریم خصوصی منزل، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره شریفه نور دلالت تامی دارند. طبق این آیات هیچ‌کس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه قبلی، به منزل دیگری وارد شود. در زمان جاهلیت بین اعراب رسم نبوده است که برای ورود اجازه بگیرند. قرآن کریم با نزول این آیات این رسم غلط را منسوخ کرد. این موضوع از شأن نزول آیه نیز قابل استنتاج است. عدی بن ثابت می‌گوید علت نزول آیه چنین بوده که زنی از انصار نزد رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله، اوقات و حالاتی بر من می‌گذرد که نمی‌خواهم پدرم یا فرزندم مرا در آن اوقات و حالات ببینند، در صورتی که اینان هر وقت سرزده به خانه من می‌آیند و من از این حیث در زحمت و کراهت می‌باشم، بنابراین چکاری می‌توانم بکنم؛ سپس این آیه نازل گردید (واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱، ۳۵۴). شأن نزول آیه دقیقاً در رابطه با نقض حریم خصوصی شخص است.

«تستأنسوا» از ماده «انس» گرفته شده است. انس به هر چیز و به سوی هر چیزی، یعنی الفت گرفتن به آن؛ و استیناس عملی است که به این منظور انجام شود (موسوی همدانی سیدمحمد باقر؛ ۱۳۷۴؛ ۳۲۲) در این آیه از واژه «تستأنسوا» استفاده شده است نه «تستأذنوا»؛ تستأنسوا بیانگر اجازه‌ای توأم با تحیت و لطف و آشنایی و صداقت است و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مودبانه و دوستانه و خالی از هرگونه خشونت باشد. مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «به هیچ وجه نمی‌توان داخل خانه غیر شد، اعم از اینکه صاحب خانه در خانه باشد یا نباشد، مگر اینکه اجازه داده شده باشد، حتی جایز نیست به داخل خانه نگاه کند تا بداند که کسی در خانه هست یا نیست» (ابن الحسن الطبرسی، ابی علی الفضل ۱۳۹۹.ه.ق؛ ۱۳۹).

علامه طباطبایی نیز می‌نگارد: «...چه بسا می‌شود که صاحب‌خانه در حالی قرار دارد که نمی‌خواهد کسی او را به آن حال ببیند، و یا از وضعی که دارد باخبر شود. از اینجا معلوم می‌شود که مصلحت این حکم پوشاندن عورات مردم، و حفظ احترام ایمان است، پس وقتی شخص داخل‌شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند و صاحب‌خانه را به استیناس خود آگاه سازد و بعد داخل شده و سلام کند، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بپوشاند، کمک کرده، و نسبت به خود ایمنی‌اش داده؛ و معلوم است که استمرار این شیوه پسندیده، مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومی بر اظهار جمیل و ستر قبیح است و جمله "ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" هم اشاره به همین فواید است» (طباطبایی محمدحسین، ۱۴۱۷.ه.ق، ۱۸۶). این آیه صرفاً بر لزوم رعایت حریم خصوصی اماکن، منازل و محیط‌های خصوصی افراد دلالت دارد و هرگونه ورود به منازل افراد را منوط به کسب اجازه می‌کند. در این زمینه روایتی از امام صادق(ع) نیز نقل شده است: «مردی از سوراخی در حال نظاره به درون حجره مخصوص رسول‌الله(ص) بود، در هنگامی که حضرت متوجه شد با تیری به سوی او دوید تا به چشم وی بزند. اما مرد فرار کرده بود. حضرت رسول‌الله(ص) فرمودند: ای خبیث، والله اگر ایستاده بودی چشم تو را در می‌آوردم» (کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۴۰۲، ۲۹۱). همچنین امام صادق(ع) در روایت دیگری می‌فرماید: «هرگاه شخصی بر گروهی اشراف و اطلاع پیدا کند و یا از سوراخی آنها را نظاره نماید؛ پس چنانچه او را سنگ بزنند و کشته شود و یا چشم وی درآید، ضمانتی متوجه ایشان نیست» (کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۴۰۲، ۲۹۱). از این روایات به‌خوبی حفظ حرمت و احترام حریم خصوصی منزل و به طور کلی استراحت‌گاه اشخاص استنباط می‌شود.

فقهای امامیه در فرضی که شخصی برای سرقت وارد منزل شود، فرد را محارب دانسته‌اند و خون وی را هدر می‌دانند. قاضی ابن براج در این زمینه می‌نگارد: اللص محارب، فان دخل علی انسان کان له ان یدافعه عن نفسه و یقاتله، فان ادی ذلک الی قتله، لم یکن علیه شی و کان دمه هدرا (ابن براج، ۱۴۰۶، ۵۵۳).

این مطلب توسط سایر فقها تأیید شده است.^۱ (حلی، ج ۴، ص ۱۶۹؛ شهیدثانی، ج ۹، ص ۳۰۳؛ نجفی، ج ۴۱، ص ۵۸۳؛ صدر، ج ۶، ص: ۲۹۴ و خوبی، ج ۴۱، ص ۴۲۱).

فرض دیگری که فقها در حمایت از حریم خصوصی منازل اشخاص ذکر کرده‌اند با عنوان «النظر الی دار الغیر بغیر اذنه و اطلاع» مطرح شده است. شهید اول در این مورد فرموده است:

«الدفاع عن النفس و المال و الحریم بحسب القدره ولو اطلع علی عوره قوم فلهم زجره فان امتنع فرموه بحصاه و نحوها فجنی علیه کان هدرا».

«دفاع از نفس، مال و حریم به اندازه قدرت و توانایی شخص واجب است... در فرضی که شخصی بر عورت گروه و قومی مسلط گردد و به آن نظاره نماید، ایشان می‌توانند او را منع نمایند، اگر امتناع نمود و ادامه داد، جایز است که با سنگ او را بزنند؛ در این صورت چنانچه جنایت و آسیبی به او رسد، هدر و بلاضامن است» (شهید اول، ۱۳۸۳، ۲۷۴).

واژه عام‌تری که در این بخش وجود دارد، اماکن خصوصی است. اماکن خصوصی را می‌توان اماکن متعلق به شخص یا اشخاص خصوصی دانست که یا در تصرف آنهاست که ورود دیگران به آنجا یا عرفاً مجاز نیست یا مالک یا متصرف قانونی به نحو مشخصی در چارچوب قانون، ورود دیگران به آن اماکن را ممنوع اعلام کرده است. عواملی همچون مالکیت و ماهیت عمومی یا خصوصی بودن محل را در خصوصی بودن مکان نباید دخیل دانست. اگرچه شخص، مالک عین یا منافع مکانی که در آن خلوت کرده است، نباشد، شاید عرفاً یا قانوناً مستحق برخورداری از حریم خصوصی آن مکان باشد. به عنوان مثال باجه شیشه‌ای تلفن شهری اگر چه ملک کسی نیست، اما نصب وسیله شنود در آن، نقض حریم خصوصی شخص است. در خصوصی بودن مکانی مانند سلول زندان برای مدت محکومیت نیز نباید شک کرد. سلول زندانی، مکانی مختص وی است که محکوم‌علیه حق دارد در آن مکان اختصاصی به دور از نظاره دیگران به امور شخصی خویش بپردازد.

در نظام حقوقی ایران برای افرادی که حریم خصوصی منزل را نقض می‌کنند، مقرراتی وضع شده است. این مقررات اگرچه به صراحت به حریم خصوصی اشاره نکرده‌اند، می‌توان تا حدودی در حمایت از حریم خصوصی به استناد آنها، ناقض را مورد مجازات قرار داد. ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی برای ضمانت اجرای مصونیت منزل و مسکن افراد، ورود به عنف یا تهدید را دارای مجازات کیفری دانسته است. ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد...». با عنایت به صدر ماده ۵۸۰ و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری به نفع متهم، باید این ماده را ناظر به مأموران دولتی دانست. ماده ۶۹۱ قانون

همچنین نگاه کنید به: ۱. کشف‌الرموز فی شرح مختصر النافع، ج ۲، ص: ۵۸۸؛ ۲. منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب (ط-القدیمه)، ص ۹۹۱؛ ۳. مجمع‌الفائده والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۳، ص: ۳۰۲.

مجازات اسلامی نیز بیانگر فرضی است که ناقض پس از اخطار متصرف در فضای منزل مانده باشد: «هر کس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است، اعم از اینکه محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده، ولی بعد از اخطار متصرف، به قهر و غلبه مانده باشد، علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد محکوم می‌شود». بنابراین نمی‌توان شخص عادی را که بدون اجازه و رضایت صاحب منزل (و البته بدون عنف یا تهدید) وارد منزل یا محل سکونت او شده است مجرم تلقی کرد؛ و به طریق اولی از جمع این مواد نمی‌توان خیره شدن به محل سکونت را جرم دانست، اگرچه این عمل نقض صریح حریم خصوصی محسوب می‌شود.

به موجب قسمت اخیر ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، تفتیش منازل و اشیاء در جرایم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص باشد؛ ولی وفق مفهوم مخالف همین ماده در جرایم مشهود، ضابطان قضایی نیازی به اخذ مجوز ندارند. هرچند به منظور حفظ حقوق عمومی عمل ضابطان قضایی در جرایم مشهود قابل توجیه است، لازم خواهد بود که با وضع قانون، محدوده تفتیش ایشان کاملاً مشخص شود تا حمایت بیشتری از حریم خصوصی محقق شده باشد.

ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی که عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد». وفق ماده ۹۸ همین قانون تفتیش و بازرسی از منزل باید در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق به عمل آید، که وضع این ماده به حفظ حرمت و احترام حریم خصوصی کمک شایانی می‌کند.

بند هشتم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ مقرر می‌دارد: «بازرسی و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیائی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم متعلق ندارد و افشای نامه و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد». حمایت‌های موجود در حقوق ایران جامع نیستند. به عنوان مثال اگر چه عمل ضبط یا انتشار تصویر شخصی که در یک محل خصوصی قرار دارد، بدون رضایت وی صدمه به زندگی خصوصی افراد تلقی می‌شود، هیچ قانون حمایتی در این مورد وجود ندارد. در رأی شماره ۵۰۴-۱۳۷۷/۵/۲۶ شعبه پنجم دادگاه عمومی کیفری ورامین موضوع نقض حریم خصوصی منزل اشخاص این‌گونه آمده است: «... در یک شب در حالی که شاکي و همسرش در حال استراحت بوده‌اند، متهمین از نورگیر پشت‌بام نظاره‌گر نامبردگان بوده‌اند و بدین ترتیب مرتکب فعل حرام شده‌اند و دادگاه مستنداً به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آنان را به محکوم می‌نماید.» (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۴، ۱۱۱). در رأی موصوف، دادگاه به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی استناد کرده است، در حالی که عمل ارتكابی، ربطی به ماده ۶۳۸ ندارد. ماده مزبور تظاهر به ارتكاب عمل حرام در انظار و اماکن عمومی را جرم‌انگاری کرده، اما در مورد انجام عمل حرام در غیر انظار عمومی حکمی بیان نکرده است. همچنین با همین استدلال نظر

استادانی که «سرکشی و نگاه عمدی از روی بام و دیوار و امثال آن به خانه دیگری را از مصادیق عمل حرام مشمول ماده ۶۳۸» دانسته‌اند (گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۰، ۲۲۴) نیز انتقادپذیر به نظر می‌رسد.

نقض حریم خصوصی اماکن خصوصی و منازل را نباید منحصر به ورود فیزیکی دانست. نصب وسایل استراق سمع و دوربین‌ها برای تحت نظر قرار دادن شخص نیز نقض حریم خصوصی است.

در این زمینه بخشنامه شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۱۰ سند بسیار جامع و قابل استنادی است. متن بخشنامه چنین است: «با توجه به بند ۶ از فرمان هشت‌ماده‌ای حضرت امام مدظله العالی و اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، گذاردن هرگونه شنود به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه و یا هرگونه تجسس در اسرار مردم و گناهان غیر و یا افشای هر نوع معاصی و اسرار افراد، اعم از فحشا و مواد مخدر و غیره، ولو برای احدی، جرم و گناه است. بدیهی است تجسس و یا شنودگذاری در مسائل راجع به امنیت کشور از قبیل گروهک‌ها و عناصر فاسدی که دست در کودتا و براندازی و امثالهم دارند آن هم در صورت ضرورت و فقط با اجازه دادستان و رعایت موازین شرعی و قانونی بلامانع است. تأکید می‌نماید هرگونه تخلف از مفاد این بخشنامه موجب مؤاخذه و پیگرد شدید شرعی و قانونی خواهد بود».

البته متأسفانه با لحاظ مخاطب آن، این بخشنامه مختص «دادسراهای عمومی و انقلاب» است و در صورت ارتکاب، صرفاً تخلف انتظامی محسوب می‌شود و برای سایر افراد جامعه جرم‌انگاری پیش‌بینی نشده است.

۴.۲. حریم خصوصی محل کار

انسان‌ها در زمان‌ها و مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف زندگی خود انتظارات متفاوتی درباره مسائل خصوصی خود دارند. کارگران و کارمندان می‌توانند در محل کار خود خواهان افشا شدن برخی مسائل خود برای کارفرما یا دیگران باشند. اما توقع برخورداری از حریم خصوصی در این مکان‌ها (به دلیل عمومی بودن مکان، رضایت و پذیرش شرایط کار، وجود رابطه کارگری و...) کمتر از انتظاری است که آنها می‌توانند در محل سکونت خود داشته باشند. هر چند دفتر محل کار کارمندان و کارگران محیط مختص به کارمند یا کارگر نیست و هر لحظه امکان ورود ارباب رجوع یا کارفرما به آن مکان معقول است، باید دقت داشت که هر کارگری دارای انتظار معقولی از حریم خصوصی است که این انتظار باید در چارچوب رابطه کارگری و با توجه به واقعیت‌های عملیاتی کارگاه تعیین شود. مدیران ارشد و بازرسان می‌توانند در صورت غیبت کارگر از محل کارش به اموال اداری موجود در دفتر کار دسترسی داشته باشند یا برای کشف تخلفات کارگر به جست‌وجوی محل کار بپردازند، اما در عین حال در جایی که کارگر میز یا کمد مختص امور اداری و کاری خود را از کمد وسایل شخصی جدا کرده است، انتظار معقولی از رعایت حریم خصوصی وجود دارد. در قانون‌های مدون در مورد حمایت از حریم خصوصی محل کار، مصوبه‌ای وجود ندارد. تنها موردی که می‌توان به آن اشاره کرد، ماده ۹۶ قانون آیین

دادرسی کیفری است که مقرر داشته: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد.» که با تفسیر موسع از واژه «اماکن» به «محل کار»، می‌توان بیان داشت که تفتیش و بازرسی محل کار افراد جز در مورد این ماده ممنوعیت دارد. روشن است که این مقرر به خوبی از حریم خصوصی محل کار حمایت نمی‌کند و برخی از موارد نقض این حریم مانند نحوه نظارت رییس کارمند بر عملکرد کاری وی و همچنین مقررات راجع به نحوه اجرایی بازرسی‌های دوره‌ای (که ممکن است ادارات یا شرکت‌ها برای نظارت بر عملکرد کارمندان پیش‌بینی کنند) نیز بدون توجه باقی می‌ماند.

امروزه با پیشرفت وسایل فناورانه، کارفرمایان در استفاده از این گونه وسایل برای نظارت بر کارمندان خود به بهانه‌های مختلفی از جمله جلوگیری از سرقت اموال شرکت، جلوگیری از سوء استفاده کارمندان از اسرار تجاری شرکت، نظارت بر کیفیت کار، بهبود ارائه خدمت به مشتریان و ... استناد می‌کنند. با وجود آثار مثبت نظارت ویدئویی، چنانچه نظارت مستمر انجام بگیرد، کارگران دچار فشار روحی خواهند شد. در اتاق محل کار، برخی رفتارها و فعالیت‌های شخصی نظیر خارش بدن، مرتب کردن لباس و ... به طور کامل خصوصی تلقی می‌شوند و در عین حال به فعالیت کاری شخص هیچ ارتباطی ندارند.

از منظر فقهی نیز آنچه در مورد حمایت از حریم خصوصی محل زندگی گفته شد، در اینجا نیز مجری خواهد بود. اغلب نصب وسایل نظارت ویدئویی و استراق سمع سبب ایذای ناروای کارمندان خواهد بود. ضمن اینکه چنین کاری در بسیاری موارد عنوان استراق سمع نیز خواهد یافت. در مورد استراق سمع می‌توان به روایت امام صادق (علیه السلام) اشاره کرد:

«ان المستمع حدیث قوم و هم له کارهون یعذب الله یوم القیامه و یصب فی اذنه

الانک» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی؛ ج ۷؛ ص ۲۷۲)

«هر کس به کلام دیگران گوش دهد، در حالی که ایشان به این فعل وی رضایت ندارند،

خداوند در روز قیامت وی را عذاب می‌کند و در گوش او سرب خواهد ریخت.»

احراز رضایت کارمند از طریق رابطه قراردادی کار نیز بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا با امضای قرارداد کار، کارمند موظف می‌شود کاری را انجام دهد نه اینکه با امضای قرارداد تمام جنبه‌های فردی خود را در اختیار و تسلط کارفرما قرار دهد. کارفرما حق دارد در برابر دستمزد بر کار کارمند خود نظارت کند، اما این نظارت را باید از طرقی مانند بیان کاری یا نتایج عینی بررسی کند، نه اینکه به صورت تمام وقت و مستقیم مشغول نظارت کارمند باشد.

ماده ۲۳ طرح حمایت از حریم خصوصی، مدیران و کارفرمایان را مجاز به استفاده از نظارت‌های الکترونیکی نمی‌داند، مگر آنکه بر مبنای دلایل متعارف، ظن قوی مبنی بر ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه در ارتباط با محیط کار، از قبیل سرقت یا تخریب اموال محل کار یا سوء استفاده از اموال محل کار وجود داشته باشد یا این امر برای تأمین امنیت و بهداشت محل کار یا کارکنان و مستخدمان ضروری باشد؛ که در این صورت نیز نصب دوربین‌ها در مکانی قابل

مشاهده و همچنین نصب علایم بیانگر کنترل محل با دوربین نیز لازم است. به این ترتیب امید است با تصویب این طرح، خلأ موجود در این زمینه را پوشش دهد. البته در اینجا نیز تکلیف کارفرما در مورد اخذ مجوز از یک نهاد رسمی در دسترس، مانند شوراهای اسلامی کار یا هیأت مدیره شرکت یا اداره مربوطه، در حمایت از حقوق اشخاص کمک بیشتری می‌کند.

نتیجه‌گیری

مفهوم حریم خصوصی فیزیکی از جمله مفاهیم مرتبط با حقوق بشر است که در اسناد جهانی از آن حمایت شده است. در حالی که فقه امامیه از مصادیق این حق حمایت کامل کرده و این حمایت گاهی با عناوین فقهی مانند منع ایذا، منع تجسس و منع استراق سمع بروز پیدا کرده است؛ این حق در قانون اساسی ایران به صورت مستقل شناسایی نشده و در قوانین عادی نیز علاوه بر عدم شناسایی، تضمینات کافی برای حمایت از آن پیش‌بینی نشده است. شناسایی ناقص برخی مصادیق این حق، با عنایت به کلی بودن و در نظر نداشتن پیشرفت‌های فناورانه بشری در قانون‌های موجود، نقص غیر قابل دفاعی در قوانین به‌وجود آورده که لازم است با تصویب قانون جامعی جبران شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، تهران، سمت.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۵). *المقنع*؛ قم، مؤسسه امام مهدی.
۳. ابن الحسن الطبرسی، ابی علی الفضل (۱۳۹۹). *مجمع البیان*، ج ۹، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
۴. ابن منظور محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، ج ۴، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۵. انصاری، باقر (۱۳۸۶). *حقوق حریم خصوصی*، تهران، نشر سمت.
۶. بهزادپور (۱۳۸۸). «*ابعاد فرهنگی حریم خصوصی*»؛ مجله تعالی حقوق، خرداد و تیر.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۸). *لغت نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲). *إرشاد القلوب إلى الصواب*، ج ۱، قم، الشریف الرضی.
۹. حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ۴، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، (بی تا). *مبانی تکمله المنهاج*، قم، بی نا.
۱۱. رحمدل، منصور (۱۳۸۴). مقاله «*حق انسان بر حریم خصوصی*»؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ دانشگاه تهران، شماره ۷۰.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۹، قم، کتابفروشی داوری.
۱۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲). *القاموس المحیط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد (۱۴۰۹). *العین*، ج ۴، تحقیق: المخزومی، مهدی و السامری، ابراهیم؛ قم، مؤسسه دارالهجره.
۱۵. صدر، سید محمد صادق (۱۴۱۷). *ماوراء الفقه*، ج ۵، بیروت، دارالاضواء.
۱۶. طباطبایی محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طرابلسی، عبد العزیز بن نحریر (۱۴۰۶). *المهذب*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۲). *فروع الکافی*، ج ۷، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶). *محشای قانون مجازات اسلامی*، تهران، نشر مجد.
۲۱. گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۴). *سیاست جنایی قضایی*، تهران، انتشارات سلسبیل.
۲۲. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (۱۳۸۳). *لمعه الدمشقیه*، قم، دارالفکر.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، ج ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱). *فقه الإمام الصادق علیه السلام*، ج ۶، قم، مؤسسه انصاریان.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۴). *تحریر الوسیله*، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. موسوی همدانی سید محمد باقر (۱۳۷۴). *ترجمه المیزان*، ج ۱۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. معین، محمد (۱۳۲۴). *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیرکبیر.

۲۸. نجفی، محمد حسن بن باقر (بی‌تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۴۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۹. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ھ ق). *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیہ.

30. samuel Waran, brandies Louis: *The Right of privacy*, available at: <http://www.lawrence.edu/fast/boardmaw/privacy-barnd-warr2.htm>

